

تحلیل تفسیری آیات تعقل و تفکر

جهت اثبات تفکرمداری مدل تربیتی قرآن کریم

عبدالرضا حدادیان*

حسن نقی زاده**

چکیده

در پیشینه علمی و فرهنگی، واژه «تربیت» شامل تمام ابعاد و اجزای فرایندی است که زمینه تحول اختیاری و آگاهانه آدمی را فراهم می‌کند. براساس نگرش اسلامی این مفهوم دربردارنده تمام اقدام‌ها و تدابیر از جمله تأدیب، تزکیه، تعلیم و تذکر است که باید در راستای هدفی واحد یعنی شکل‌گیری و تعالی شخصیتی یک‌پارچه و توحیدی به‌طور سنجیده، هماهنگ و درهم‌تنیده سامان یابند. در پژوهش حاضر، در پاسخ به چستی مدار حرکت انسان در این سیر تربیتی، قرآن کریم به‌عنوان بزرگترین منبع هدایت و تربیت بشر مورد استنطاق قرار گرفته است و با تحلیل و تفسیر آیات مربوط به تعقل و تفکر و بررسی عنصر تفکر در مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی آیات تربیتی قرآن، این موضوع اثبات شده است که محور تربیت بر مبنای آموزه‌های قرآنی، اندیشیدن بوده است و برای شروع، شیوع و نهادینه‌کردن تربیت و هدایت انسان‌ها به سمت کمال و رستگاری راهی جز تقویت تفکر بشری وجود ندارد.

واژگان کلیدی

آیات تعقل و تفکر، قرآن و تربیت، تفکرمحوری.

haddadian110@gmail.com

naghizadeh@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۳۰

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد.

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۷

طرح مسئله

اندیشمندان فراوانی در زمینه علوم انسانی به بیان دیدگاه خود درباره تعریف و روش تربیت پرداخته‌اند. در این میان برخی به فراخور تخصص و تجربه و زاویه نگاهشان به ارائه مدل‌هایی برای تربیت انسان‌ها مبادرت ورزیده‌اند، به‌عنوان مثال در مدل تربیتی ارسطو تأکید بر طبیعت انسان‌ها بوده و مدل پیشنهادی وی بر محور شناخت طبیعت مخاطب و تربیت منطبق بر طبیعت افراد استوار شده است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۴: ۶۰) یا به اعتقاد افلاطون نخست باید جامعه را ساخت تا انسان‌ها ساخته شوند و برای تربیت سالم باید جامعه‌ای سالم داشت؛ (شریعت‌مداری، بی‌تا: ۱ / ۱۶۸) یا اینکه مدل تربیتی ژان پیاژه^۱ بر تشنه‌نمودن مخاطب تأکید دارد و از دیدگاه ایشان مربی خوب کسی نیست که مخاطب را سیراب کند بلکه اگر مربی را تشنه کرد معلمی بی‌نظیر و عالی است (الکانید، ۱۳۷۴: ۳۰۱) اما در عالم اسلام و علوم اسلامی و با زاویه دید و نگاه قرآنی، کمتر به مدل‌سازی^۲ برای تربیت پرداخته شده است. البته اندیشوران مسلمانان از دیر باز دغدغه استخراج اصول، علوم، مبانی و روش‌های تربیتی از قرآن را داشته‌اند و در میان تفاسیر و کتب اخلاقی می‌توان بسیاری از این تلاش‌ها را جستجو نمود، اما اینکه مدل تربیتی قرآن چیست؟ و مسیر و فرآیند تربیت از دیدگاه خدای متعال چگونه است؟ سوآلی است که باید به قرآن عرضه شود و این کتاب مقدس را استنتاج نمود.

یافتن مدل تربیتی قرآن و بیان اینکه فلان مدل به قطع مدل تربیتی قرآن کریم است، امری بس مهم و خطیر و کاری بسیار پیچیده و دشوار است. برای انجام این مهم لازم است پژوهشگرانی از حوزه‌های مختلف علوم تربیتی، مدیریت و علوم قرآنی و تفسیر حول یک طرح‌نامه مشترک به تحقیق پرداخته و حاصل آن به‌صورت مدل‌سازی شده و با نگاه چند بعدی و شبکه‌ای تقدیم دنیای تشنه تربیت شود. این پژوهش به‌عنوان مقدمه‌ای بر این آرزوی بزرگ و مهم^۳ پس از برگزیدن و ارائه تعریفی جامع و مانع از تربیت، به بررسی مؤلفه‌های اساسی تربیت از دیدگاه قرآن می‌پردازد تا از رهگذر این مؤلفه‌ها بتواند مقدماتی را برای رسیدن به مدل تربیتی قرآن کریم ارائه نماید.

1. Jean Piaget.

۲. مدل‌سازی در علوم انسانی و اجتماعی؛ یعنی شبیه‌سازی واقعیت خارجی به‌وسیله ترسیم روابط علت و معلولی بین اجزاء درونی و همچنین روابط مجموعه با متغیرهای بیرونی و فرموله کردن متغیرها، به‌جهت ایجاد قدرت پیش‌بینی رفتارهای آن پدیده و درک ویژگی‌های آن و مراحل مدل. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: حمیدی‌زاده؛ ۱۳۷۹؛ رضائیان، ۱۳۸۰)

۳. مراحل و روش مدل‌سازی عبارتند از: ۱. استقراء مؤلفه‌ها و متغیرهای درونی و بیرونی تأثیرگذار و تأثیرپذیر ۲. تعریف شاخصه‌های پایه (زمینه اولیه و هدف حداقلی) ۳. تعیین هدف نهایی و ایدئال (هدف حداکثری) ۴. بررسی کمیت و کیفیت تأثیر هر مؤلفه (با دقت بر میزان قابل کنترل بودن یا نبودن) ۵. تعیین ارتباط اصلی و شرایط و تأثیر کلیدی ۶. ترسیم روابط علی و معلولی ۷. تعیین زمینه‌ها و پیش‌فرض‌ها (وضعیتی که مدل براساس آن طراحی می‌شود) ۸. مرحله‌بندی حرکت از حداقل‌ها به‌سوی حداکثرها ۹. تعیین نقاط بحران ۱۰. طراحی حلقه‌های کنترلی و بازخوردها. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: حمیدی‌زاده، ۱۳۷۹)

با عنایت به اینکه قرآن عزیز کتاب هدایت بوده و غایت آن تربیت انسان‌ها و رشد و تعالی و کمال و سعادت بشر است، تلاش شده تا افزون بر تمرکز و تحلیل بر آیات مربوط به تعقل و تفکر، تمامی آیاتی که در حوزه تربیت دسته‌بندی و معرفی شده‌اند، احصاء شوند، سپس با توجه به ظاهر الفاظ و مفهوم آیات به سه مؤلفه «بینشی، گرایشی و کنشی» عنوان‌زنی و بعد از آن تحلیل و با توجه به تفاسیر اجتماعی معاصر بررسی شوند. جهت استدلال در مورد این مطلب نخست تعاریفی از تفکر و تربیت تقدیم می‌شود، سپس مؤلفه‌های سه‌گانه مذکور با توجه به آیات تربیتی قرآن کریم ارائه و تحلیل و با نمونه‌هایی تطبیق داده می‌شود تا نقش محوری فکر و اندیشه در تربیت روشن‌تر گردد.

مفهوم‌شناسی واژگان

۱. تربیت

الف) تربیت در لغت

برای واژه تربیت، چهار ماده «ربو»، «فراهیدی»، «۱۴۱۰: ۸ / ۲۸۳» «ربب» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۸۴) «ربأ» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۴۸۳) و «ربی» (ابن فارس، همان) معرفی شده است، اما این مواد چهارگانه با وجود اختلاف در ماده، در معانی مشابه و نزدیک به هم به کار می‌روند، بدین صورت که «ربأ» در معنای زیادشدن و رشد کردن (ابن فارس، همان)؛ «ربب» به معنای مالک شدن، برتربودن، سربودن، اصلاح کردن (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱ / ۴۰۱ - ۴۰۰) و «ربو» به معنای زیادشدن (فراهیدی، همان؛ طریحی، ۱۳۶۲: ۱ / ۱۷۴)، بالا رفتن (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۸۷؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۶ / ۲۳۴۹)، رشد کردن (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۴ / ۲۰) برجسته شدن و بالآمدن (طریحی، ۱۳۶۲: ۱ / ۱۷۳) آمده است و ماده «ربی» به معنای زیادشدن، رشد کردن و بالارفتن به کار می‌رود. (ابن فارس، همان)

با توجه به تشابه و نزدیکی معانی مواد چهارگانه مذکور، پیش‌بینی می‌شود که واژه «تربیه» از هر یک از این مواد گرفته شده باشد؛ در معنایی مشابه و نزدیک به هم به کار رود. رشد دادن، غذا دادن، پرورش تا سر حد کمال و تربیت معنوی معانی متفاوت ولی نزدیک به هم هستند که می‌توانند در یک معنای جامع و کامل کنار هم قرار بگیرند.

ب) تربیت در اصطلاح

با آنکه اهمیت و نقش انحصاری تربیت در تحقق فرهنگ و تمدن و رشد و تعالی آنها بر مریبان و اندیشه‌وران فرهنگی و تربیتی پوشیده نبوده است، با این همه جای شگفتی دارد که تا کنون بر تعریف یگانه یا همگون از تربیت، توافق نشده است. هر کس از تربیت آن‌گونه که مایل به فهم آن بوده و

گرایش‌های علمی و فکری وی ایجاب می‌کند، دفاع کرده و تعریف ارائه داده است. به نظر می‌رسد از تعاریف گوناگون ارائه‌شده در باب تربیت تعریف مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: «تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان، به صورتی یک‌پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد». (ر.ک: مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: ۱۳۹) کامل‌تر و دینی‌تر از سایر تعاریف باشد؛ بنابراین می‌توان با توجه به تعالیم قرآنی که تربیت را محدود و منحصر در معنای خاصی نکرده و به صورت عام به تربیت و هدایت انسان‌ها پرداخته و با ایجاد توسعه معنایی در اصطلاح رایج و اندکی تغییر در تعریف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت را در معنای اعم، شامل «هرگونه فرایند هدفمند زمینه‌ساز در جهت شکوفا شدن و رشد یافتن استعدادهای انسان‌ها در مسیر هدایت ایشان به سوی آمادگی برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» دانست.

۲. تفکر

الف) تفکر در لغت

بنا بر نظر مشهور واژه «تفکر» از ماده «فکر» گرفته شده و نزد اهل لغت، به معنای گوناگونی به کار رفته است. برخی از مهم‌ترین معانی به دست آمده عبارتند از: فکر (فراهدی، ۱۴۱۰: ۵ / ۳۵۸)، تأمل کردن (جوهری، ۱۴۰۷: ۲ / ۷۸۳)، قوه به‌جا گذاشته شده در جلوی مغز جهت سامان دادن امور در ذهن به منظور رسیدن به مطلوب (طریحی، ۱۳۶۲: ۳ / ۴۴۴)، نظر کردن (فیروز آبادی، همان)، تمرکز ذهنی بر چیزی (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۵ / ۶۵)، به کار گرفتن قلب، (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۵ / ۶۵؛ فیروز آبادی، بی‌تا: ۲ / ۱۱۱)، وسیله کسب علم (عسکری، ۱۴۱۲: ۲۰۹)، مرتب‌سازی امور در ذهن (طریحی، ۱۳۶۲: ۳ / ۴۴۴)، به‌کارگیری نیروی فکر جهت رسیدن به علم، (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۸۴)، عملیات قلبی در مقدمات و دلائل (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۹ / ۱۲۶)، به‌گونه عبرت آموز (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴ / ۴۴۶) جهت رسیدن به مجهولات و نادانستنی‌ها. (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۹ / ۱۲۶)

از معانی مذکور بر می‌آید که تفکر یک عملیات قلبی و درونی است که به وسیله ذهن و نیروی فکر انجام می‌گیرد و نادانسته‌ها را مبتنی بر دانسته‌ها روشن می‌سازد و اهمیت تفکر به همین است که نتیجه مطلوب و حقیقی را به دست می‌دهد. (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۹ / ۱۲۷) اما این عملیات نیازمند مقدمات و مقوماتی چون نورانیت قلبی، قوه ادراکی و نبود موانعی چون تعصب، اغراض نفسانی، امراض قلبی و تاریکی‌های باطنی است. (مصطفوی، همان) از این رو تفکر در دو سطح صحیح و ناصحیح

ممکن است. در تفکر صحیح، عوامل و مقدماتی چون نور قلبی، اخلاص و نبود اغراض فاسد نقش آفرینی می‌کنند و در تفکر ناصحیح عواملی چون هوا و هوس و ترفندهای شیطانی حضور فعال دارند. (مصطفوی، همان)

ب) تفکر در اصطلاح

همان‌گونه که بیان شد، تفکر یک عملیات قلبی و درونی است که به‌وسیله ذهن و نیروی فکر انجام می‌گیرد و نادانسته‌ها را مبتنی بر دانسته‌ها روشن می‌سازد، اما تعریف مطلوب از تفکر در این پژوهش به این شرح است: «به‌نظر می‌رسد که در منابع دینی، تفکر، ساختاری است که در انسان برپا می‌شود تا داده‌هایی را که از مواجهه با پدیده‌ها و حوادث به‌دست می‌آورد، به علم نافع تبدیل کند و پردازشگر این ماجرا فکر است؛ بنابر این نقل‌ها و با توجه به بیان عام و مطلق آیات قرآن به تفکر و تعاریف برگرفته از روایات معصومان علیهم‌السلام، «تفکر» به‌معنای کلی اندیشیدن و عبرت‌گرفتن مورد توجه این پژوهش است.»

مؤلفه‌های تربیت

تربیت دارای مفهومی کلان و واژه‌ای سترگ است که از منظرهای گوناگون قابل دسته‌بندی و تقسیم است، به‌عنوان مثال براساس منبع، به تربیت دینی و سکولار، بر مبنای بستر حرکت و ساحتی که تغییرات تربیتی در آن رخ می‌دهد به تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی، بدنی، جنسی، سیاسی، اجتماعی و ... تقسیم می‌شود؛^۱ از میان دسته‌بندی‌های مختلفی که برای تربیت متصور است، در این پژوهش تقسیم‌بندی رایج‌تر و کارآمدتر که دسته‌بندی بر مبنای مؤلفه‌ها و ابعاد تربیت است، مورد استفاده قرار گرفته است؛ بر مبنای این تقسیم‌بندی تربیت دارای سه مؤلفه اساسی بینشی، گرایشی و کنشی (باقری، ۱۳۸۶: ۱ / ۶۱؛ تاج‌الدین، ۱۳۸۸: ۳)^۲ است که می‌توان گفت به‌نحوی پایه و زیربنای تمام تقسیم‌بندی‌های دیگر به‌شمار می‌رود، مثلاً تربیت سیاسی باشد یا اجتماعی یا اخلاقی یا اعتقادی، بخشی از آن مربوط به شناخت و معرفت، بخشی منوط به گرایش و تعامل و قسمتی از آن متوجه عمل افراد است.

در این پژوهش تمامی آیاتی که به‌نحوی به تربیت مربوط شده‌اند، با استفاده از اثر جامع «فرهنگ قرآن» به‌عنوان آیات تربیتی برگزیده شده و پس از بررسی دقیق براساس سه مؤلفه مذکور دسته‌بندی شدند. سپس با مراجعه به تفاسیر اجتماعی و تربیتی در ذیل این آیات و نگاه دقیق‌تر از زاویه دید مفسران فریقین، تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تری نیز نمایان شده است که نقل آنها از پی خواهد آمد.

۱. برای مطالعه انواع تقسیم‌بندی‌های تربیت ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۳: ۳۴.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بخش اول؛ خسرو باقری، ۱۳۸۶: ۱ / ۶۱.

تفکرمدار بودن تربیت از منظر قرآن

برای استدلال در مورد تفکرمدار بودن تربیت از منظر قرآن، نخست تحلیلی از آیات مربوط به مؤلفه‌های بینشی تربیت در پنج بخش با ذکر آیات منتخب از هر قسمت ارائه می‌شود تا فراوانی این‌گونه آیات تبیین شود، سپس با بیان نمونه‌هایی از آیات مربوط به مؤلفه‌های گرایشی و کنشی تربیت، خط و محور تفکر و اندیشه در این‌گونه آیات تحلیل و ارائه می‌شود تا تفکرمدار بودن تربیت از منظر قرآن مستدل شود.

۱. فراوانی آیات مربوط به مؤلفه بینشی تربیت نسبت به سایر مؤلفه‌ها

مؤلفه بینشی، بخشی از عناصر تشکیل‌دهنده فرآیند تربیت است که مربوط به حوزه شناخت‌ها و معرفت می‌شوند. بسیاری از آیات قرآن کریم انسان‌ها را دعوت به تفکر و تعقل برای به‌دست آوردن بینش درست و شناخت و معرفت صحیح می‌نماید. از آنجاکه ریشه و منشأ اصلی تربیت شناخت و معرفت است (باقری، ۱۳۸۶: ۲ / ۶۴) نخست چند نمونه از آیات فراوان مربوط به این مؤلفه را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ همان‌گونه که بیان شد مؤلفه‌های اصلی، خود دارای تقسیم‌بندی‌هایی هستند که بر مبنای نوع شناخت به اقسام زیر دسته‌بندی شده‌اند:

یک. خداشناسی

بخش عمده‌ای از آیات تربیتی کلام وحی مربوط به آیات خداشناسی است، بر مبنای این آیات خدای متعال با روش‌های گوناگونی انسان‌ها را دعوت به تفکر نموده و از ایشان خواسته است تا با روشن نگاه داشتن چراغ اندیشه خود، به وجود خالق و مدبر هستی و پدیده‌های منظم داخل آن اقرار نموده و به او ایمان آورند؛ نگرستن، تفکر و مطالعه در خلقت آسمان‌ها و زمین (آل عمران / ۱۹۱)، آمد و شد و تغییرات روز و شب (قصص / ۷۱ و ۷۲)، زنده شدن و مردن جانداران (مؤمنون / ۸۰)، بارش باران و رویدن گیاهان و زنده شدن زمین مرده (سجده / ۲۶ و ۲۷)، آفرینش انسان (روم / ۸) و خلقت او از گل بدبو (صافات / ۱۱)، مطالعه داستان‌های گذشتگان (صافات / ۱۳۸ - ۱۳۰)، زراعت (واقعه / ۶۳ و ۶۴)، آتش (واقعه / ۷۱ و ۷۲)، خلقت آسمان‌ها و زمین و مقایسه آن با عجز انسان (آل عمران / ۱۹۱) نشانه‌هایی است برای خردمندان که به خدای خالق و مدبر هستی ایمان آورند.

نکته قابل توجه و بسیار مهم اینجا است که در آیات ذکرشده و موارد مشابه فراوان دیگر، با عبارت‌های «أفلا تعقلون»، «أفلا تبصرون»، «أفلا يبصرون»، «أفلا تسمعون»، «أولم يتفكروا»، «أولم يروا»، «فاستفتهم»، «أولي الأبواب»، سیاق سؤالی عبارات و ... مخاطب را به تفکر و اندیشه‌ای وا می‌دارد که نتیجه آن اقرار به ربوبیت خدای متعال و تربیت توحیدی انسان‌ها ختم می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷ / ۲۵۴)

به‌عنوان نمونه در آیه شریفه «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهْرِجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (زمر / ۲۱) که از روش پرسش برای تربیت عقلانی شده کرده است، نخست با ایجاد سؤال در ذهن مخاطب او را دعوت به اندیشیدن می‌نماید، (سیدقطب، ۱۴۲۵: ۵ / ۳۰۴۷) سپس با یادکرد گوشه‌ای از قدرت‌نمایی خدای متعال در آفرینش آب و چرخه طبیعی رشد گیاهان و خشک شدن نهایی آنها، انسان را به فکر وامی‌دارد که آیا می‌شود این همه قدرت و حکمت و تدبیر، یک‌دفعه و بدون خالق عالم و قادر و حکیم به‌وجود آمده باشد (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۹ / ۳۲۳) و اینجا است که دست تدبیر الهی در بالای همه این پدیده‌ها دیده می‌شود، (سیدقطب، ۱۴۲۵: ۵ / ۳۰۴۷) هم‌چنین با یادکرد و توجه به رنگ گیاهان که از یک آب و خاک ولی متنوع و رنگارنگ به‌وجود می‌آیند، تحیر آدمی را برمی‌انگیزاند و بیش از پیش فکر و اندیشه آدمی را درگیر نموده و به‌دنبال پندآموزی و تربیت او است، خدای متعال ذکر و پند و تربیت را ثمره و نتیجه تفکر دانسته و پایان این توجه را توحید (میبدی، ۱۳۷۱: ۴ / ۶) و اقرار به حکمت و ربوبیت الهی (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷ / ۲۵۴) معرفی می‌نماید. تفکر دقیق‌تر و ژرف‌تر در این آیه تذکار و پندی دگر نیز به ارمغان دارد و آن اینکه آن‌چنان که گیاهان دو دوره را درک می‌کنند، در زمانی سبز و با طراوت و مطمح نظرها و در دورانی خشک شده و طعمه باد می‌شوند، انسان‌ها هم می‌توانند با ایمان به خدا و اعتقاد به ربوبیت الهی زیبایی با طراوت شده و به اوج برسند و می‌شود که با کفر و عناد به حضيض پستی و ذلت کشیده شوند. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۱ / ۴۶۳) هم‌چنین از تفکر و اندیشه در این پدیده طبیعی و تطبیق آن با دنیا می‌توان پی به زوال‌پذیری و عمر کوتاه دنیا در مقابل جاودانگی قیامت برد که این نیز موجب تذکر و تربیت صاحبان اندیشه و خرد خواهد شد (زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۳ / ۲۷۳) و بدین‌گونه زمینه تربیت عقلانی را فراهم می‌سازد.

دو. جهان‌شناسی

از دیگر موضوعات مطرح شده در تفسیر آیات تربیتی قرآن کریم طرح عناصر مربوط به جهان‌شناسی است، بخشی از آیات تربیتی کلام وحی مربوط به آیات جهان‌شناسی است، بر مبنای این آیات خدای متعال انسان‌ها را دعوت به تفکر نموده و واقعیت‌دنیایی که در آن زندگی می‌کنند را به ایشان نشان داده است، تفکر و مطالعه در این آیات موجب شناخت بیشتر و دقیق‌تر از عالم خلقت شده و بر عمق بینش افراد بشر می‌افزاید. طبق این گروه از آیات، این جهان مادی ابتدا از آب آفریده شده، آسمان و زمین به هم پیوسته بودند و خدای متعال آنها را از هم جدا ساخته و منشأ آفرینش موجودات زنده آب بوده است، (انبیاء / ۳۰) خدای متعال آب را بر زمین خشک جاری ساخته است، آب موجب روییدن گیاهان و زنده

شدن زمین گشته است، (سجده / ۲۶ و ۲۷) گیاهان که با قانون زوجیت تکثیر می‌شوند به‌خوبی از زمین می‌رویند (شعراء / ۷) و همچنین مطالعه و تفکر در جهان هستی نشان می‌دهد که ماه و خورشید و سیارات گوناگون هر کدام در مسیر مشخص شده خود و در مدار منظم در حال گردش هستند و پدید آمدن شب و روز همه از ویژگی‌های این جهان و نشان‌دهنده آثار صنع خدا است، (لقمان / ۲۹) دنیای فانی مادی سرای بازی و سرگرمی است. (انعام / ۳۲) تدبر در این آیات و بسیاری دیگر از آیات که همراه دعوت به تفکر و اندیشیدن، این جهان مادی را به مخاطب معرفی می‌کند، موجب تقویت باورها و بینش انسان‌ها و در نتیجه منتهی به تربیت اعتقادی افراد می‌شود.

گفتنی است که قرآن کریم در آیه شریفه «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام / ۳۲) حتی اگر از عبارت «افلا یعقلون» هم استفاده نمی‌فرمود، باز هم مشخص بود که خدای متعال از مقایسه بین دنیا و آخرت و پس از معرفی دنیا به سرای لهو و لعب، در پی تربیت مطلوب و شخصیت تراز قرآنی است که همان انسان باتقوا است. در این آیه شریفه جنس دنیا به‌وسیله احوال مردمان در آن که همان بازی و سرگرمی است، معرفی شده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۶ / ۶۸) تفکر و تعقل در زندگی دنیای عاریتی و آخرت جاودان موجب تقوای الهی می‌شود و انسان اهل تفکر و تقوا به نوری دست می‌یابد که باعث روشن شدن و نورانیت زندگی ایشان می‌شود؛ آنها به سبب اندیشه خود بهشتی را که گستره آن آسمان‌ها و زمین است و رضوانی که از آن بزرگ‌تر و بالاتر است، می‌پذیرند و به اعتقادی عمیق و روحانی دست می‌یابند. خدای متعال عقول آدمیان را مخاطب قرار داده است تا پس از تفکر و سنجش بین دنیا و آخرت، از روی اختیار و انتخاب و نه از سر تقلید به عمل بپردازند و این قاعده معرفت‌ایمانی است که قرآن کریم سعی می‌کند در وجود انسان‌ها بنیان نهد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۹ / ۷۶) روشن است که هدف از این آیات مبارزه با وابستگی و دل‌بستگی به مظاهر جهان ماده و فراموش کردن مقصد نهایی آن است و گرنه آنها که دنیا را وسیله‌ای برای سعادت قرار داده‌اند در حقیقت جستجوگران آخرتند نه دنیا. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵ / ۲۰۸)

سه. انسان‌شناسی

بخش دیگری از آیات تربیتی ثبت‌شده در فرهنگ قرآن، مربوط به آیات انسان‌شناسی است، بر مبنای این آیات خدای متعال انسان را دعوت به تفکر در خلقت خودش نموده و واقعیت وجودی، مواد سازنده و ویژگی‌های ذاتیش را به او یادآوری می‌کند، نگرش و اندیشه حاصل از تفکر در این آیات موجب شناخت بیشتر از مکانیزم فیزیکی و یا ابعاد معنوی خلقت انسان شده و بر عمق بینش افراد بشر می‌افزاید. طبق این دسته از آیات، انسان به تفکر در خویشتن سفارش شده و به او گوشزد و یادآوری شده است که تفکر

کند در اینکه به حق (روم / ۸) از گل چسبنده (صافات / ۱۱) و از نطفه‌ای جهنده (قیامت / ۳۷) و ناچیز (مرسلات / ۲۰) که قبل از آن چیزی نبوده (مریم / ۶۷) خلق شده، روح الهی در او دمیده شده و به مقداری معلوم در زمین قرار داده شده است (مرسلات / ۲۲ - ۲۱) و با حرکت به سمت پیری شکسته و سست می‌شود (یس / ۶۸) با تأمل در فرجام کار انسان‌هایی که قبل از او می‌زیسته‌اند، عبرت گرفته (سجده / ۲۶) و بداند که در کوره آزمایش الهی گذاخته خواهد شد (عنکبوت / ۲) و نیز دریابد که تفاوت در بینش و انتخاب آدمیان چه تأثیری در سرنوشت آنان خواهد گذاشت، خدای متعال میان مؤمن و فاسق، (سجده / ۱۸) خبیث و طیب (مائده / ۱۰۰) کور و بینا و زنده و مرده (فاطر / ۲۲ - ۱۹) تفاوت می‌نهد و این انسان است که باید مسیر خود را انتخاب کند.

به‌عنوان مثال آیه شریفه: «أُولَئِكَ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ» (روم / ۸) با استفاده از واژه تفکر در سیاق پرسشی که خود نوعی واداشتن مخاطب به تفکر و اندیشیدن است، انسان‌شناسی را مقدمه خداشناسی و ایمان به قیامت قرار می‌دهد؛ چه مقصود الهی از «یتفکروا فی انفسهم» تفکر انسان درباره وجود خویش باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۱۶؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۵ / ۲۷۹۵) و یا تفکر به‌عنوان پدیده‌ای که از درون انسان می‌جوشد و برای رسیدن به حقیقت و هدفمندی آفرینش آسمان‌ها و زمین شکل می‌گیرد؛ یعنی که آنها در درون جان از طریق عقل و وجدان به آفرینش آسمان‌ها و زمین بیندیشند، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۷ / ۴۳۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۴) در هر صورت خدای متعال راه هدایت و تربیت را از طریق اندیشه و تفکر و داشتن بینش تعیین فرموده (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۱۹) و حتی کافران را مورد مؤاخذه قرار داده است گویا کفار از بس سرگرم امور دنیا هستند و برای آن تلاش نموده و فکرشان پریشان است که خود را هم فراموش کرده‌اند و در صورتی که خود را در ذهن خود حاضر سازند، در حقیقت در خویشتن خود قرار گرفته‌اند، آن وقت تفکرشان تفکری با تمرکز خواهد بود و فکرشان پراکنده و متفرق نخواهد بود، پس آن وقت فکر ایشان را به‌سوی حق هدایت و به واقع امر ارشاد می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۱۵۷)

چهار. قرآن‌شناسی

قسمتی از آیات تربیتی کلام وحی مربوط به آیات قرآن‌شناسی است، بر مبنای این آیات خدای متعال انسان‌ها را دعوت به تفکر نموده و از ایشان خواسته است تا با اندیشیدن و تدبر در قرآن، به این کتاب آسمانی ایمان بیاورند، تفکر و اندیشه در این آیات و تدبر و تأمل در قرآن کریم، موجب شناخت بیشتر از قرآن و پی بردن به حقایق آن شده و بر عمق بینش و اعتقاد انسان‌ها به قرآن می‌افزاید. طبق این گروه از آیات خدای متعال با دعوت به تفکر در قرآن و حتی مؤاخذه کافران که چرا در قرآن تدبر نمی‌کنند، (نساء / ۸۲) همگان را به تدبر

و تأمل در ظاهر و معنای آیات فراخوانده است و عدم تدبیر در قرآن را نتیجه قفل خوردن بر دل‌ها دانسته است. (محمد / ۲۴) خدای متعال ضمن برشمردن عظمت این کتاب آسمانی که اگر بر کوه نازل می‌شد آن را خاشع و متلاشی می‌نمود (حشر / ۲۱) با آسان خواندن تذکر و پندگیری از آن (قمر / ۱۷)، بسیاری از صفات قرآن از جمله ارزشمندی و بیم‌دهنده بودن (کهف / ۱ و ۲)، اتمام با صدق و عدل (انعام / ۱۱۵)، مبارکی (انبیاء / ۵۰)، محفوظ از هرگونه تحریف و دگرگونی (واقعه / ۷۷ و ۷۸) و ... را برشمرده و تدبیر و تفکر در قرآن را زمینه‌ساز بینش صحیح و هدایت به استوارترین راه (اسراء / ۹) می‌داند. واژه‌های تعقل و تدبیر در باره قرآن بارها به‌کاررفته است، خدای متعال راه ایمان به قرآن و اعتقاد به آفریننده و حامل آن را از آثار تدبیر در خود آن می‌شمارد؛ چرا که اگر از غیر خدا می‌بود در آن اختلاف و اشتباهات زیادی می‌یافتند. (نساء / ۸۲) خدای متعال با بیان اینکه دانشمندان اهل کتاب از حق بودن و درستی قرآن اطلاع دارند (انعام / ۱۱۴)، با تمثیل مقایسه بینا و کور، ثمره تفکر خردمندان در قرآن را پی‌بردن به اعجاز آن و اینکه این کلمات، آسمانی بوده و از جانب خداست (رعد / ۱۹) می‌داند، همچنین با مخاطب قرار دادن اندیشه انسان‌ها، گمراه‌ترین انسان‌ها را آنهاپی معرفی می‌کند که به قرآن کفر می‌ورزند. (فصلت / ۵۲) این آیات و آیات دیگری که با عباراتی از جمله «أفلا یعقلون» و «أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ» و یا در سیاق سؤالی، مخاطب را به تفکر در قرآن و آفریننده آن دعوت می‌نمایند^۱ همگی نشانگر این مهم است که خداوند متعال در مسیر تربیت و هدایت انسان‌ها به تفکر و اندیشه بهای بسیاری داده و حتی کافران و مشرکان را به تفکر فرا می‌خواند.

به‌عنوان نمونه در آیه شریفه «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأُمْتَالُ تُضَارِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»، (حشر / ۲۱) جدای از مباحث تفسیری و ادبی از جمله دلیل اضافه شدن «هذا» به قرآن و اینکه این مثال به‌صورت تشبیه بیان شده یا مثالی واقعی است،^۲ آنچه به‌وضوح از ظاهر آیه و تفاسیر آن فهمیده می‌شود، آن است که خدای متعال برای هدایت و تربیت انسان‌ها و آشنایی و افزایش ایمان ایشان به قرآن کریم آنها را دعوت به تفکر نموده است؛ تفکر در پدیده‌ای که اگر آن را بر کوه‌ها نازل می‌نمود، هم در برابرش متواضع و خاضع می‌شدند و هم شیدا و واله و متلاشی؛ پس اینکه فرمود: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ» مثلی است که خدای تعالی برای مردم در امر قرآن زده تا عظمت و جلالت قدر آن را از این نظر که کلام خدا است و مشتمل بر معارفی عظیم است به ذهن مردم نزدیک سازد تا در باره آن تفکر نموده و آن طور که شایسته آن است با آن برخورد کنند و در صدد تحقیق محتوای آنکه حق صریح است برآمده، به هدایتی که از طریق عبودیت پیشنهاد کرده مهتدی شوند، چون

۱. به‌عنوان مثال ر.ک: بقره / ۱۷۰ - ۱۰۶؛ مؤمنون / ۶۸؛ عنکبوت / ۵۱ - ۵۰؛ واقعه / ۸۱ - ۷۷.

۲. ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳ / ۵۵۰؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۶ / ۳۵۳۲.

انسان‌ها برای رسیدن به کمال و سعادتشان طریقی به‌جز قرآن ندارند، (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹ / ۲۲۱) استفاده از تمثیل خود از روش‌های تربیتی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰ / ۳۰۷) و دعوت به تفکر که با واژه «لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» بیان شده است به‌وضوح نشان‌دهنده استفاده قرآن کریم از تفکر و اندیشه برای تربیت و هدایت انسان‌ها است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۲ / ۱۳۴) و در این میان یکی از مهم‌ترین مواردی که انسان دعوت به تفکر و تدبیر در آن شده خود قرآن است؛ چراکه اگر عظمت، و حیانی بودن و معجزه جاوید بودن قرآن در عمق باور و اعتقاد انسان قرار گرفته و بینش او قرآنی شود به هدف نهایی قرآن که هدایت است، نزدیک‌تر شده است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۵ / ۲۷۴)

پنج. فرجام‌شناسی (معاد)

بخش دیگری از آیات تربیتی ثبت‌شده در فرهنگ قرآن مربوط به آیات فرجام‌شناسی (معاد) است، بر مبنای این آیات خدای متعال انسان را دعوت به تفکر در خلقت نخستین انسان و فرجام و نهایت کار او نموده است و واقعیت وجود حیاتی بعد از این جهان که به کوچک و بزرگ اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌شود، به او گوشزد شده است؛ نگرش و اندیشه حاصل از تفکر در این آیات موجب شناخت بیشتر از مکانیزم حساب و کتاب و آخر و عاقبت انسان‌ها پس از مرگ شده و بینش آنان را توسعه می‌دهد. (بقره / ۲۸) قرآن کریم برای توجه و اندیشه در معاد و رستاخیز از یادکرد داستان‌های گذشتگان استفاده نموده (فجر / ۱۴ - ۱) و به سیر و سفر و مطالعه سرانجام اقوام پیشین توصیه نموده است. (یوسف / ۱۰۹؛ غافر / ۲۱؛ بقره / ۲۸) لقمان حکیم برای تربیت فرزندش به او یادآوری می‌کند که حتی اگر ذره‌ای عمل خیر یا شر داشته باشد خدای متعال آن را در قیامت به حساب خواهد آورد؛ (لقمان / ۱۶) خدای متعال بارها مرگ و پایان زندگی زودگذر دنیا را به انسان یادآوری نموده و از او خواسته است که با فکر و اندیشه به این پرسش‌ها پاسخ دهد که آیا زندگی زودگذر دنیا بهتر است یا سرای جاودان آخرت؟ (فرقان / ۱۵) خدای متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که حتی کسانی که با خدا سر لج گرفته و از او هراسی ندارند را نیز دعوت به تفکر کند که آیا کسی که در آتش قرار می‌گیرد بهتر است یا شخصی که در امن و امان است؟ (فصلت / ۴۰) آیا شیرینی‌های بهشت بهتر است یا تلخکامی‌های جهنم؟ (صافات / ۶۲) آیا آنان که به قیامت ایمان داشته و به رحمت پروردگارشان امیدوارند با افرادی که ایمان ندارند برابرنند؟ (زمر / ۹) در برخی از آیات با تذکر و برشمردن نشانه‌ها و نعمت‌های الهی و اثبات قدرت خدای متعال بر آفرینش انسان از نطفه‌ای ناچیز، (قیامت / ۴۰ - ۳۷) آسمان‌ها و زمین و ... (نبأ / ۱۷ - ۶؛ نازعات / ۳۴ - ۲۷) مخاطب را به تفکر و پی بردن به قیامت و سرای آخرت دعوت می‌کند؛ حتی با مطرح نمودن توانایی بازسازی سرانگشتان مردگان در آخرت (قیامت / ۳ و ۴) با بیان گوشه‌ای از اعجاز در آفرینش، قدرت و توانایی الهی را به رخ کشیده و

جای تردیدی در معاد جسمانی نمی‌گذارد. آری ساده‌ترین راه برای تربیت فکری و رشد و هدایت انسان به سمت باورمندی به قیامت دعوت به تفکر و اندیشه در زنده شدن زمین مرده (روم / ۵۰) و تمثیل آن به قیامت و زنده شدن مردگان (ق / ۱۵) است که در آیات و روایات به آن اشاره شده است.

به‌عنوان مثال در آیه شریفه: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»، (انعام / ۳۲) خدای متعال پس از معرفی اجمالی و گذرای دنیا به سرگرمی و بازیچه - که البته پرواضح است مقصود دلبستگی و تعلق به دنیا و دنیای بدون نگاه به آخرت مقصود از لهو و لعب بودن دنیاست و سرای آخرت بدون داشتن این حیات دنیوی حاصل نمی‌شود (زحیلی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۱۸۱) - مخاطبان را دعوت به تفکر در آخرت و مقایسه آن با دنیا می‌نماید (میبدی، ۱۳۷۱: ۳ / ۳۳۵)؛ در عبارت «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» به‌طور مستقیم اشاره به لزوم تعقل در معاد و فرجام دارد و نشان‌دهنده نگاه تفکر محور قرآن کریم به بینش‌ها و عقاید اساسی انسان‌ها است و در این میان این اهل فکر و اندیشه هستند که بعد از تفکر و مقایسه دنیا و قیامت و درک درستی از معاد و سرای آخرت، در می‌یابند که دنیا محل اقامت دائم و هدف نهایی بشر نیست (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳ / ۵۲) و زندگی دنیا را به لهو و لعب نمی‌گذرانند. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۶ / ۷۰)

خدای متعال عقول انسان‌ها را مخاطب قرار داده تا با مقایسه دنیا و آخرت، با گزینشی بر مبنای فکر و اندیشه انتخاب کنند، نه به‌طور ناخواسته یا براساس تقلید. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۹ / ۷۶) هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت با استناد به این آیه شریفه فرمود: «خدا عاقلان را اندرز داده و نسبت به آخرت علاقمند ساخته است» (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۷۱۱) یعنی عاقلان با تفکر در آخرت و مقایسه با دنیا، به آن علاقمند می‌شوند؛ زیرا حیاتی است جاویدان و فناپذیر در جهانی وسیع‌تر و سطح بسیار بالاتر، در عالمی که سر و کار آن با حقیقت است نه مجاز و با واقعیت است نه خیال، در جهانی که نعمت‌هایش با درد و رنج آمیخته نیست و سراسر نعمت خالص است، بی‌درد و رنج (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵ / ۲۰۷). پس تفکر اساس کسب معرفت و ایمانی است که خدای متعال می‌خواهد درون انسان‌ها بنیان نهد.

۲. محوریت بینش و تفکر در مؤلفه‌های گرایشی و کنشی تربیت

برای اثبات تفکرمدار بودن تربیت از منظر قرآن، نخست تحلیلی از آیات مربوط به مؤلفه‌های بینشی تربیت ارائه شد تا فراوانی این‌گونه آیات تبیین شود، در این بخش با بیان نمونه‌هایی از آیات مربوط به مؤلفه‌های گرایشی و کنشی تربیت، خط و محور تفکر و اندیشه در این‌گونه آیات تحلیل و ارائه می‌شود تا گام دیگری در اثبات تفکرمدار بودن تربیت از منظر قرآن برداشته شود.

مؤلفه گرایشی، بخشی از عناصر تشکیل دهنده فرآیند تربیت است که مربوط به حوزه گرایش‌ها و انگیزش‌های انسان می‌شوند. بسیاری از آیات قرآن کریم انگیزه‌ها را برای حرکت صحیح و رشد و تربیت انسان‌ها تقویت می‌کند. انگیزه‌ها و علاقه‌مندی‌های بشر است که او را به سمتی می‌کشاند یا از مسیری باز می‌دارد. به بیان دیگر عموماً گرایش‌ها و انگیزه‌های انسان‌ها است که آنان را به کنش و واکنش وامی‌دارد و حلقه واسط میان بینش‌ها و اعمال ما، انگیزش‌ها و گرایش‌ها است.

بخشی از آیات تربیتی قرآن کریم، ضمن برانگیختن انگیزه‌ها و احساس آدمی سعی در تشویق و تحریک او در حرکت به سمت خوبی‌ها، کسب فضایل و ترک رذایل اخلاقی دارد. با بررسی و تحلیل آیات انگیزشی و گرایشی حوزه تربیت در کلام وحی به روشنی دانسته می‌شود که در این قسم آیات نیز عنصر تفکر و اعطای بینش، حضوری نیرومند دارد و محوریت تفکر و تعقل در این قبیل آیات قابل بررسی و مشاهده است.

خدای متعال به منظور تشویق و انگیزه بخشیدن به رعایت فضایل اخلاقی و تربیت انسان‌ها، به ذکر صفات بندگان شایسته خدا پرداخته و از ویژگی‌های ایشان چنین بیان می‌کند که آنها حتی از کنار آیات الهی هم بدون تفکر عبور نمی‌کنند (فرقان / ۷۳ - ۶۳) و شاخصه اصلی اخلاق‌مداری را تفکر معرفی می‌کند.

قرآن کریم در روش تربیت الگویی، به یاران و همراهان پیامبران اشاره می‌کند که بدون ترس و سستی در راه خدا جهاد می‌کنند و بلافاصله حوزه تفکر و بینش مخلصان را هدف قرار داده و تأکید می‌نماید که خدا صابران را دوست دارد؛ (آل عمران / ۱۴۶) لقمان حکیم در پی تربیت فرزندش، سفارش‌های اخلاقی ویژه‌ای به او می‌نماید و بعد از هر توصیه، خط بینشی و تفکر مرتبط با آن پند را بیان می‌کند. (لقمان / ۱۸ و ۱۹)

خدای متعال انسان‌ها را به انفاق خالصانه دعوت نموده و با استفاده از تمثیل که از روش‌های تربیتی قرآن است، سعی در ایجاد انگیزه و گرایش انسان به سمت فضایل اخلاقی دارد، آنگاه می‌فرماید که این آیات و مثال‌ها را آورده‌ایم که در آنها تفکر کنید (بقره / ۲۶۵ و ۲۶۶) و با واژه «لعلهم یتفکرون» خط بینشی و نگاه تفکر محور قرآن در این آیات تربیتی رخ می‌نماید.

در آیات گرایشی حوزه تربیت در قرآن دلیل انجام بسیاری از فضایل اخلاقی و ترک رذایل، تفکر و اندیشه در خود کار یا عاقبت آن بیان شده است، به عنوان مثال در آیه شریفه: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (حدید / ۱۰) برای رشد و تربیت انسان‌ها و گرایش ایشان به سمت انفاق و بخشش در راه خدا، نخست به توبیخ شدید کسانی که از انفاق مالی که خدا تنها وارث آن است بخل می‌ورزند، می‌پردازد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹ / ۱۵۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۳۳۷) گزاره‌ای گرایشی

در آیه‌ای تربیتی) آنگاه بلافاصله زیربنای بینش و عقیده ایشان را نشان گرفته و این فکر و اندیشه را در ذهنشان متجلی می‌سازد که میراث آسمان‌ها و زمین از آن کیست؟ مگر اموال شما متعلق به خودتان است و مگر می‌توانید ذره‌ای از آن را با خودتان به جهان دیگر ببرید؟ آیا غیر از این است که صاحب و مالک اصلی تمام آنها خداست؟ (زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۷ / ۳۰۱) آری اشاره به میراث بودن جهان، برای تشویق انفاق‌گران و سرزنش کسانی است که بخل می‌ورزند و انفاق نمی‌کنند؛ یعنی به مردم گوشزد می‌کند و ایشان را به این تفکر و بینش دعوت می‌کند که اگر اموال و نعمت‌های خود را ببخشید، خدا پاداش آنها را می‌دهد و اگر بخل بورزید و انفاق نکنید باز هم همه را برای خدا به ارث می‌گذارید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰ / ۲۰۷)

در این آیات و آیات فراوان دیگر از مؤلفه‌های گرایشی تربیت، به‌وضوح می‌توان دریافت که خدای متعال پس از ایجاد انگیزه و تشویق مخاطبان به انجام فضیلتی شایسته و یا نهی ایشان از ردیلتی ناشایست، (حجرات / ۱۲) با تعبیرهایی که بینش‌ها را توسعه می‌دهد، انسان‌ها را دعوت به تفکر و اندیشه کرده و گویی بر محوریت اندیشه و تفکر در اخلاق و گزاره‌های گرایشی تأکید نموده است.

دو. مؤلفه کنشی

مؤلفه کنشی، بخشی از عناصر تشکیل‌دهنده فرآیند تربیت است که مربوط به حوزه احکام عملی و اعمال عبادی انسان می‌شود. مؤمنین پس از پذیرفتن اسلام، می‌بایست به احکام فردی و اجتماعی که توسط شارع مقدس وضع شده، عمل کنند تا به زندگی مؤمنانه و سعادت اخروی دست یابند در نتیجه، بسیاری از آیات قرآن کریم در پی بیان احکام عملی و قوانین عبادی یک انسان مسلمان است؛ به‌عبارت دیگر پس از ایمان اعتقاد به هر دینی و گرایش به سمت آن دین، نوبت عمل به آموزه‌های عبادی و احکام عملی آن، برای رسیدن به وعده‌های آن دین از جمله سعادت است.

بخشی از آیات تربیتی قرآن کریم، (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۷ / ۵۳۰ - ۴۴۸) از جمله آیات مربوط به مؤلفه کنشی تربیت به‌شمار می‌روند؛ با بررسی و تحلیل این آیات به‌روشنی دانسته می‌شود که در این قسم آیات نیز قرآن کریم بر بینش و تفکر تأکید داشته و محوریت اندیشیدن، در آیات عبادی و احکام عملی قرآن کریم قابل بررسی و ارائه است.

خدای متعال در مسیر هدایت و تربیت بشر، پس از بیان اوامر و احکامی چون اقامه نماز (عنکبوت / ۴۵؛ حج / ۲۷)، پرداخت زکات (بقره / ۱۱۰)، جهاد در راه خدا (حج / ۷۸)، امر به معروف و نهی از منکر (لقمان / ۱۷)، قوانین خانواده و اداره زندگی (نساء / ۳۴)، ارث (نساء / ۱۱)، طلاق (بقره / ۲۳۱)، دین و شهادت (بقره / ۲۸۲) و ... به بیان حکمت و دلیل می‌پردازد یا با عباراتی تفکرمدار و بینشی، محور اندیشه

و تفکر در احکام و قوانین الهی را مشخص می‌نماید. از قتل اولاد به‌خاطر ترس از فقر نهی می‌نماید و بلافاصله بینش مخاطب را تقویت می‌کند که روزی ایشان و شما با خداست، (اسراء / ۳۱) زنا را حرام شمرده و از آن باز می‌دارد، چراکه عملی زشت و طریقی ناشایست است (اسراء / ۳۲)، خیانت در مال یتیم را نهی نموده و روزی را یادآوری کرده است که از تعهدات انسان‌ها سؤال می‌شود (اسراء / ۳۴)؛ حتی دستور خواندن نماز شب به پیامبر گرامی اسلام (مزمّل / ۶ - ۲) که در جهت تربیت و آماده شدن آن حضرت برای دریافت قرآن صادر شده با این بینش و تفکر همراه است که بهترین وسیله برای صفای نفس و سخن با حضور قلب گفتن نماز به هنگام شب است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۶۴)

این آیات و آیات فراوان دیگر از مؤلفه‌های کنشی آیات تربیتی قرآن کریم ضمن برشمردن و ابلاغ احکام و قوانین الهی بر تفکر و ارائه بینش صحیح نسبت به این احکام تأکید داشته و محور تفکر در وضع آیات و احکام الهی قابل مشاهده است؛ به‌عنوان مثال آیه شریفه: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلِيًّا وَهْنٌ وَفَصَالُ فِي عَمِيمٍ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» از گویاترین آیات اخلاقی و تربیتی است که پیام‌های تربیتی آن قابل توجه است. این آیه انسان را به توجه و نیکی به والدین (طبرانی، ۲۰۰۸: ۵ / ۱۳۶)، احسان به والدین (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۲۷۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۴۹۵)، اطاعت از آنها (طبرسی، همان) و شکرگزاری در برابر آنها (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۸۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۲۱۶؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۱۰۶) سفارش می‌کند.

از میان اقوال تفسیری مذکور، به‌نظر می‌رسد که عبارت «وصینا الانسان بوالديه» به شکرگزاری در برابر والدین توجه می‌دهد، زیرا بخش پایانی آیه «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ» به‌وسیله حرف «أَنْ» تفسیریه، (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۹۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۲۴۴) بخش آغازین آیه را تفسیر می‌کند که مراد از توجه به والدین، شکرگزاری در برابر آنها است. بنابراین موضوع قانونی آیه، شکرگزاری در برابر والدین است که وسیله و ابزاری برای شکرگزاری در برابر خدای بزرگ می‌باشد.

شکرگزاری از والدین از مهم‌ترین دستورات اخلاقی دین اسلام بوده و بهترین وسیله برای تقرب به خدای بزرگ و بالاترین سعادت است (نراقی، بی‌تا: ۲ / ۲۰۳). چنان‌که در روایتی از امام صادق علیه السلام نیکی به والدین در کنار نماز اول وقت و جهاد در راه خدا به‌عنوان برترین اعمال معرفی شده‌اند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۱۵۸) با روشن شدن اهمیت و ارزشمندی توجه به والدین در هندسه عبادات عملی، می‌توان اثر مستقیم این کنش را در تربیت انسان نتیجه گرفت و از آیه چنین برداشت کرد که شکرگزاری در برابر والدین از مهم‌ترین اعمال و کنش‌های تربیتی است که مربی و متربی باید در مسیر تربیت و تربی توجه کافی بدان داشته باشند.

اما آیه در ادامه، این پیام تربیتی را بدون توضیح و تبیین رها نمی‌کند و علت توجه به والدین در مسیر تربیت را چنین بیان می‌کند که مادر شش تا نه ماه او را حمل کرد و در اثر این حمل، ضعیف و ضعیف‌تر شد «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلِيًّا وَهْنٍ» و دو سال به او از شیر به جانش غذا داد. «وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ». از این رو شکرگزاری در برابر والدین، به منزله شکرگزاری در برابر خدای بزرگ است و این ظرفیت را به انسان تزریق می‌کند که شکرگزار نعمت‌های الهی باشد و از خدای متعال به خاطر نعمت‌های فراوانش شکرگزاری کند؛ به بیانی دیگر، خدای متعال هم دستور می‌دهد که شکر مرا به جای آور که خالق و منعم اصلی توأم و چنین پدر و مادر مهربانی به تو داده‌ام و هم شکر پدر و مادرت را به جای آور که واسطه این فیض و عهده‌دار انتقال نعمت‌های من به تو می‌باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۴۱) گویی شکرگزاری در برابر والدین، به جای آوردن حق آنها است و شکرگزاری در برابر خدای متعال، به جای آوردن حقوق والدین در چارچوب اوامر الهی است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۱۴۸)

بنابراین می‌توان گفت که علت همراهی شکرگزاری در برابر والدین با شکرگزاری در برابر خدا این است که خدای بزرگ خالق انسان است و والدین سبب و واسطه خلقت، تربیت و پرورش او هستند. (طبرسی، ۱۳۷۳: ۸ / ۴۹۵) پس شکرگزاری در برابر والدین، عبادت خدا و عبادت خدا شکر اوست. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۲۱۶)

این که آیه دستور تربیتی خود مبنی بر شکرگزاری در برابر والدین را توضیح می‌دهد و علت شکرگزاری در برابر والدین را تبیین می‌کند «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلِيًّا وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۱۰۳) و شکرگزاری در برابر والدین را به منزله شکرگزاری در برابر خدای متعال (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۲۱۶) و مقدمه‌ای برای شکرگزاری در برابر پروردگار می‌داند «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ»؛ این پیام را به خواننده القاء می‌کند که اساس و مدار تربیت، تفکر و تعقل است؛ بدین معنا که مربی باید هر پیام و دستور تربیتی را به گونه‌ای مستدل و مستند به مرتبی ارائه کند تا مرتبی به صورت آگاهانه، هدفمند و با چشم باز مسیر تربیتی خویش را طی کند.

توجه به تربیت و استناد تربیت به تفکر در آیه مذکور نشان می‌دهد که تربیت در قرآن کریم، موضوعی بنیادین و زیرساختی است و این موضوع بنیادین و زیرساختی بر پایه تفکر استوار و پابرجا شده است.

نتیجه

بر اساس نگرش اسلامی، مفهوم تربیت در بردارنده تمام اقدام‌ها و تدابیری از جمله تأدیب، تزکیه، تعلیم، تذکر و موعظه است که باید در راستای هدفی واحد؛ یعنی شکل‌گیری و تعالی شخصیتی یک‌پارچه و

توحیدی به طور سنجیده و مرتبط، هماهنگ و درهم‌تنیده سامان یابند. استنطاق قرآن کریم به‌عنوان برترین منبع هدایت و تربیت بشر از طریق بررسی و تحلیل و توجه به تفاسیر آیات تربیتی و به‌ویژه آیات مربوط به تعقل و تفکر، نشان می‌دهد که به دو دلیل اساسی: نخست، فراوانی آیات مربوط به مؤلفه‌های بیش‌تری نسبت به سایر مؤلفه‌ها و دوم، محوریت بینش و تفکر در مؤلفه‌های گرایشی و کنشی تربیت، ثابت می‌کند که محور تربیت بر مبنای آموزه‌های قرآنی، تفکر و اندیشیدن بوده و برای شروع، شیوع و نهادینه کردن تربیت و هدایت انسان‌ها به سمت کمال و رستگاری راهی جز تقویت تفکر بشری وجود ندارد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- جمعی از محققان زیر نظر علیرضا اعرافی، *مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، نمایه شده در سایت رسمی شورای عالی انقلاب فرهنگی: www.sccr.ir
- ابن عاشور، محمدطاهر، ۱۴۲۰ ق، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتبه الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ ق، *لسان العرب*، قم، ادب الحوزة.
- اعرافی، علیرضا، ۱۳۹۳، *درآمدی بر تفسیر تربیتی*، قم، مؤسسه فرهنگی و هنری اشراق و عرفان.
- امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۳، *آداب الصلاة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۴.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۶، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، چ ۱۷.
- تاج‌الدین، مرضیه و مهنوش بازارگادی، ۱۳۸۸، «مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم»، کوثر، ش ۳۲، ص ۶۲-۴۷، اصفهان، مؤسسه فصلنامه قرآنی کوثر.
- جرجانی، علی بن محمد، ۱۴۰۶ ق، *کتاب التعریفات*، تهران، ناصر خسرو.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ ق، *الصحاح*، بیروت، دار العلم.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا، ۱۳۷۹، *پویایی سیستم‌ها*، تهران، افق امید.

- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چ ۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ ق، المفردات فی غریب القرآن، قم، دفتر نشرالکتاب.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- رضائیان، علی، ۱۳۸۰، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران، سمت.
- رفیعی، بهروز، ۱۳۸۱، آراء دانشمندان اسلامی در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، تهران، سمت.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۱۱ ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دمشق، دار الفکر، چ ۲.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳.
- سید قطب، ۱۴۲۵ ق، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، چ ۳۵.
- شریعتمداری، علی، بی تا، فلسفه تعلیم و تربیت، اصفهان، کتابفروشی ثقفی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی، چ ۲.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸ م، التفسیر الکبیر (تفسیر القرآن العظیم الطبرانی)، اردن، دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۲، مجمع البحرین، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- عسکری، أبوهلال، ۱۴۱۲ ق، الفروق اللغویة، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب العین، قم، دار الهجره.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، القاموس المحیط، بی جا، بی تا.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاظم زاده ایرانشهر، حسین، ۱۳۵۷، اصول اساسی فن تربیت، تهران، اقبال، چ ۴.
- الکانید، دیوید، ۱۳۷۴، رشد کودک و تعلیم و تربیت از دیدگاه پیاژه، مشهد، آستان قدس رضوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چ ۴.

- مدرس، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ ق، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۱۷ ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، ج ۱۰.
- میدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، کشف الأسرار و عده الأبرار، تهران، امیرکبیر، ج ۵.
- میلاره، گاستون، ۱۳۷۰، معنا و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
- نراقی، محمد مهدی، بی تا، جامع السعادات، تحقیق سید محمد کلاتر، نجف، دار النعمان.
- نقیب زاده، عبدالحسین، ۱۳۷۴، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، کتابخانه طهوری.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۳، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب.

